

می‌شود با «محمود صادقی»، «نطق توفانی» و «توثیت جنجالی» ده‌ها جمله خبری‌ای ساخت که تمام آنها در یک و نیم‌ سال اخیر رخ داده و پس از آن می‌توان با کلمات «محمود صادقی»، «تکذیب» و «عذرخواهی» مجدداً به ادامه جمله‌سازی‌ای پرداخت که تمام جمله‌هایش باز هم در یک و نیم سال اخیر رخ داده است. گویا باید این سنت جدید و به زبانی بهتر بدعت نوین سیاست‌ورزی برای «پهلوان‌پنگی» در عرصه خبرسازی را که نسخه تکامل یافته‌اش در رفتار این نماینده مجلس ملموس و مشهود است، بخش جدایی‌ناپذیر از حضور او در مجلس شورای اسلامی دانست. روزی در قامت افشاگر ادعایی پیرامون حساب‌های بانکی رئیس قوه‌قضائیه مطرح می‌کند و فردا روزش با تکذیب آن ادعا مدعی سوءتفاهم می‌شود، اندکی بعد با پیش کشیدن لیستی از بدهی‌های بانکی مدعی ارتباط بیت یک مرجع تقلید با فساد مالی می‌شود و چند ساعت پس از آن با عذرخواهی بابت افشاشگری‌اش می‌گوید تشابه اسمی باعث چنین اطلاع‌رسانی غلطی شده، یک بار توثیتی می‌زند و مدعی می‌شود روحانی برای انتخاب تمام وزرایش با رهبر انقلاب مشورت کرده و پس از گذشت چند روز در توثیتی دیگر می‌گوید برخلاف شنیده‌هایش رهبر انقلاب دخالتی در مسالهٔ چینش وزرا نداشته، روزی مصاحبه‌ای می‌کند و مدعی می‌شود که مساله فساد نجومی صندوق ذخیره فرهنگیان مربوط به دولت قبل بوده و اندکی بعد پس از افشاشدن ابعاد این فساد در دولت روحانی مدعی می‌شود صرفاً نقل قولی از محکوم این فساد داشته، یک روز می‌گوید معنی رای مردم در شهرستان‌ها آن بوده که برای‌شان «رف حصر» مهم‌تر از «مشکلات معیشتی» است و بدون پاسخگویی دربارهٔ علت استدلالش به پخش یک شایعه مجازی درباره حصر رئیس‌جمهور سابق توسط دیگر کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری می‌پردازد و خدا را شکر می‌کند که در انتخابات اخیر کشور از بلای بزرگ نجات پیدا کرده، روزی توثیتی سراسر توهین به یک روزنامه را منتشر می‌کند و با نقطه‌گذاری‌ای مشهود در بخشی از آن توثیت ادبیتاتی خلاف ادب را به کار می‌برد و سپس با شکل‌گیری موجی از اعتراضات ادعا می‌کند سهواً نقطه‌ای را اشتباهی گذاشته است ولی از باقی فحاشی‌های خود در آن توثیت تبرا نمی‌جوید.

اینها و مواردی از ایین دست خلاصه‌ای از رزومه فعالیت‌های سیاسی محمود صادقی در نیمه اول دوران نمایندگی‌اش در مجلس شورای اسلامی بوده، رفتاری سراسر سببوسسی همراه با افت و خیزهایی که تناقض‌های آشکار را می‌توان در آنها پیدا کرد. صادقی از یکسو مدعی شفافیت و مبارزه با فساد است و از سوی دیگر تا به حال هر موضعی



تقلا برای «تیتریک» شدن

- صادق فرامرزی

در باب فساد داشته است زیر سایه نگاه جناحی بوده، او منادی مبارزه با مصلحت‌طلبی است اما در جواب نقدهای متعدد حامیان لیست امید به نمایندگان این لیست ادامه انتقادات را خلاف مصلحت اجتماعی رئیس دولت اصلاحات تفسیر می‌کند و خواستار پایان یافتنش می‌شود، او از یکسو می‌خواهد پرچمدار گفتمانی باشد که نواقص موجود در کشور را معلول نبود آزادی تفسیر می‌کنند و از سوی دیگر عمده فعالیت‌هایش در فضای شبکه‌های اجتماعی گویای آن است که بارها فریب شایعه‌پراکنی‌های کانال‌های خبری درجه چندم را خورده است. با همه این تفاسیر شاید ساده‌ترین تحلیلی که بتوان از شخصیت محمود صادقی داشت این است

که او در تقلا برای «تیتریک» شدن است.

آخرین تیتریکی که صادقی موفق به صیدش شده سخنان جنجالی و فارغ از منطق او در نطق اخیرش بابت ارتباط «بودجه پیشنهادی دولت و عصاره ملت» است. سخنانی که با انتخاب موضوع روز به مباحثی می‌پردازد که از تباط چندانی با موضوع مطرح شده ندارد. او از یکسو می‌خواهد در نقش حامی مردمی باشد که معتقد است مساله معیشت اولویت اول‌شان نیست و از سوی دیگر می‌خواهد انفعال جناح اصلاح‌طلب در پیگیری مطالبات مردم از دولت را به گردن شورای نگهبان بیندازد. او که حالا تایید صحت سخنانش سخت‌تر از تکذیب آنها شده، در مقام شخصیتی



پیشرو ادعای آن را داشته که مساله الزام‌آور شفافیت را باید از مجلس شورای اسلامی شروع کرد، هرچند که این سخن به خودی خود سخنی قابل تحسین و پیشنهادی قابل قبول است اما آنچه در ضمن بیانش اعلام شد، بیم آن را می‌آورد که باز هم سخنانی را شنوا باشیم که یادآور «کلمه حق براد بها باطل» باشد. او از یکسو گزاره‌ای حق همچون لزوم شفافیت را مطرح می‌کند و از دیگر سو علت نبود این شفافیت و به عبارت بهتر عدم مطالبه‌گری نمایندگان اصلاح‌طلب در این مقوله را در مساله نظارت استصوابی شورای نگهبان می‌داند! صادقی برای آنکه نبود عزمی جزم در پیگیری شفافیت را محکوم کند اما محکومانش را تغییر دهد، مجلس را نه عصاره

به بهانه انتقادات کار تر از سازمان سیا

چرا CIA نتوانست انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کند؟

هیچ تصمیمی جز برکناری شاه او را راضی نمی‌کرد». اگرچه تبعید امام در دهه ۴۰ موجب محبوبیت ایشان شد ولی این محبوبیت «در فاصله سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۸ (۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ شمسی) افزایش یافت و باعث شد در این دوره، بیش از حرکت‌های اعتراض‌آمیز و انقلابی قبل طبقات فقیر شهری و نیمه پروتلار یا نیز حضور یابند».

در واقع می‌توان امام را در دهه ۵۰ قدرت‌کاریمایی دانست که سازمان سیا از درک آن غافل و عاجز مانده بود. به عبارتی باید گفت از آنجا که در دوره پهلوی، نظام فاقد توسعه سیاسی بود و در شرایطی که مبارزات به صورت پراکنده در جریان بود و مردم نمی‌توانستند در قالب حزب و دیگر مکانیزم‌ها خواسته‌های خود را به گوش حکومت برسانند، امام با تکیه بر مذهب و اسلام موفق به بسیج مردم شد و به عنوان رهبری مذهبی، ضمن انجام بخشیدن به مبارزات، رهبری مردم و توده‌ها را نیز به دست گرفت. در واقع «سیاست‌کاریمایی و اشتی‌ناپذیری امام در بحرانی‌تر کردن پوشش تصمیم‌گیری شخص شاه،نخبگان سیاسی و سازمان‌سپاق تعیین‌کننده‌های داشت».

از سویی قدرت مردم و یکپارچگی آنان در مبارزه و مخالفت با رژیم شاه نیز از چشم سیا دور ماند. ترتر، رئیس سازمان سیا بعدها در یک برنامه تلویزیونی اعتراف کرد این سازمان از قدرت جنبش‌های مخالف شاه شگفت‌زده شده است. البته در دوره‌ای که بیشتر انقلاب‌ها به صورت طبقه‌ای یا مشارکت بخشی از مردم تحقق می‌یافت، طبیعی بود که سیا نیز از قدرت یکپارچه مردم مبارز غافل شود و قدرت آن را چندان جدی تلقی نکند.

۳-امیدواری بیش از حد به قدرت شاه و ساواک

در نهایت می‌توان خوشبینی یا امیدواری بیش از حد سازمان سیا به قدرت شاه و ساواک را عاملی دیگر در اشتباه محاسباتی سازمان سیا دانست. پس از کودتا، زمانی که ارتش از حمایت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، شاه را به قدرت بازگرداند، شاه حکومت خود را ظالمانه‌تر کرد. نیروهای مسلح، پلیس مخفی (ساواک، اطلاعات ملی و سازمان امنیت) و وزارت کشور و اطلاعات سعی در حفظ نظم سیاسی و نیز جلوگیری از سرنگونی نظام توسط گروه‌های مخالف کردند. در حکومت شاه، قدرت متمرکز توسط بروکراسی دولتی، ارتش و پلیس امنیت قوی، گسترده شد. به طور کلی قدرت سیاسی در این دوره حول محور ارتش و نهادهای امنیتی، درباریان و شخص شاه متمرکز شد و به دنبال آن بسیاری از مخالفان حکومت و کودتا دستگیر یا مجبور به سکوت شدند.

در واقع به‌رغم بروز مخالفت‌های جدی از سوی معترضان، شاه توانسته بود به کمک نهادهای امنیتی- نظامی خود بویژه ساواک بر بسیاری از مخالفان غلبه کرده و بعداً از قیام ۱۵ خرداد ثبات سیاسی‌ای رایجاد کند و قدرت خود را افزایش دهد. گذشته از ابزارهای سیاسی- امنیتی، افزایش قیمت نفت در اواسط دهه ۴۰ و ۵۰ نیز موجب رشد قدرت دولت شد و بر استبداد شاه افزود. قدرت شاه مقارن با سال‌های وقوع انقلاب در حدی بود که بسیاری از وزرا و از جمله شخص نخست‌وزیر نیز توسط شاه برگزیده می‌شدند و پارلمان نیز اگرچه ظاهراً به صورت مستقل عمل می‌کرد اما شخص شاه در انتخاب افراد و سیاست‌های اتخاذی آنها کاملاًحاطه داشت. مجموع این شرایط سازمان سیا را به این نتیجه رسانده بود که شاه قادر به سرکوب مخالفان و تسلط بر اوضاع کشور است اما عملاًتمام این محاسبات اشتباه از آب درآمد و سازمان سیا و آمریکا از درک وقایعات ایران عاجز ماندند.

■ سخن نهایی

بررسی این موضوع و ناتوانی سازمان سیا در پیش‌بینی تحولات ایران در وهله اول یکی از ابعاد منحصربه‌فرد انقلاب اسلامی را نشان داد که خود متأثر از عوامل متعددی بود و در وهله دوم بخوبی عدم درستی این نظریه را که آمریکا به حمایت از شاه نپرداخت و به نوعی مخالف ادامه قدرت او بود آشکار کرد. بر اساس این دیدگاه برخی از جمله خود شاه و حامیان فکری او بر این باور بودند که آمریکا در سال‌های آخر علیه رژیم و به نفع انقلابیون عمل کرده است اما واقعیت آن است که نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی این کشور و سایر کشورهای غربی از درک صحیح تحولات ایران عاجز ماندند و همین موضوع عاملی مهم در اتخاذ تصمیمی درست و هماهنگ بود.

منبع: **موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران**

پنجشنبه ۷ دی ۱۳۹۶

ملت که عصاره شسورای نگهبان توصیف می‌کند. شاید نگاه کردن به همین ادبیات جنجالی و قیاسش با عملکرد یک و نیم‌ ساله محمود صادقی گواهی روشن بر آن باشد که وی بار دیگر در تلاشی پرسررصدا قصد آن کرده که از دوقطبی‌سازی میان مجلس و شورای نگهبان سپری برابر مطالبات مردمی در مبارزه با فساد درست کند و زمینه‌سازی‌ای برای جواب تکراری «خواستیم اما نگذاشتند» ایجاد کند. هر چند که این مساله دور از ذهن نیست اما آنچه محل بحث است نه این فریبکاری که ذات رفتار قابل تامل صادقی و افرادی از این دست است؛ رفتاری که اگر بتوان در یک جمله خلاصه‌اش کرد «جنجال دروغین بیافبرین و حکومت کن» است. رفتار محمود صادقی هرچند بدلی نامرغوب از یک نماینده دیگر مجلس که همواره حیات سیاسی‌اش را در موضع‌گیری جنجالی می‌دیده و می‌بیند است اما در جایگاه خود قابل بررسی بوده و باید به آن پرداخت. صادقی از یکسو حیات خود را در فضای ملتبه می‌بیند و از سوی دیگر التهاب‌آفرینی را منسوسب به کسانی می‌کند که آنها را برابر خود تعریف کرده و می‌کند. به بیان دیگر اگر قالب موضع‌گیری‌های او را نگاه بیندازیم غالباً بر یک جنجال چندروزه‌ای استوار است که با یک «تکذیب» یا «سوءتفاهم خواندن» از سوی خودش کنار گذاشته می‌شود و تاریخ انقضای آن به سر می‌رسد و بر همین مدار است که می‌توان او را فردی برای کوتاهمدت خواند، چرا که هیچ طرح و نطقی از او نمی‌توان یافت که اثرش فراتر از خبرسازی چند روزه به عمری درازمدت برای پیگیری کردن برسد. صادقی یادآوری منفرد از مجلس ششم است؛ مجلسی که کمترین کارنامه قابل دفاع را داشت اما به اندازه تمام عمر مجالس پس از انقلاب حاشیه و جنجال آفرید. محمود صادقی تمام تلاش خود را می‌کند که فارغ از پیگیری در صحت و سقم هر ادعایی در موضع‌گیری کردن و تلاش برای تیتریک شدن از هیچ سیاستمدار دیگری عقب نیفتد. برای نماینده‌ای که اصالت نمایندگی‌اش بر دیده شدن است، کم‌رنگ شدن نقش رسانه‌های می‌مثابه شوکرانی می‌ماند که او را از وادی وجود به وادی عدم می‌کشاند، پس طبیعی است که با آویزان شدن بر سرشت رادیکالیسم و قطبی کردن فضا به تلاش برای بودن ادامه دهد. وقتی قرار بر دیده شدن باشد ابایی از به زبان آوردن سخنانی که عمری کوتاهمدت و پایانی تکذیب‌آلود دارند نیست، چرا که کاربویژه سخنان نه در جهت اصلاح که در جهت موج‌آفرینی مقطعی تعریف شده است. با این تفاسیر دور از ذهن نیست که اگر مدل کشمگرایی محمود صادقی به‌عنوان مدلی مطلوب ترسیم شود بار دیگر پارلمان و کارکرد نظارتی‌اش به شارلاتانیسم که کار کردی همچون طبل توخالی دارد، تقلیل یابد.

تحلیلی درباره آخرین وضعیت فراکسیون اصلاح‌طلبان مجلس

انحلال «امید»

با موگرینی، طرح دوفوریتی برای زندانی کردن کسانی که در مراسمات سخنرانی سوال بپرسند، صدور حکم جلب برای محمود صادقی و سخنان الهیه کولایی مبنی بر اینکه برخی با «پول» و «رات» وارد لیست امید شدند، می‌افتند.

اما تنها مردم، بلکه بدنه جریان اصلاحات و سران این حزب هم از عملکرد فراکسیون امید راضی نیستند و این انتقادات پس از ناتوانی این فراکسیون در عبور دادن حبیب‌الله بی‌طرف‌گزینه پیشنهادی روحانی برای وزارت نیرو از فیلتر مجلس بیشتر شد و برخی از عدم انسجام در این فراکسیون سخن به میان آوردند، برخی فراکسیون امید را بی‌خاصیت نامیدند و عده‌ای هم از رفتار «اعلی حضرتی» در این فراکسیون صحبت کردند. صادق زیباکلام صراحتاًز عملکرد و کارنامه فراکسیون امید انتقاد کرد و گفت: نمایندگانی که به عنوان فراکسیون امید و نزدیک به اصلاح‌طلبان در مجلس دهم جمع شده‌اند، ظرف ۲ سال گذشته به هیچ وجه کارنامه خوبی به جا نگذاشتند. فیاض زاهد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در این باره گفت: وقتی بعضی آقایان می‌خواهند «اعلی حضرتی» در فراکسیون عمل کنند، نتیجه‌اش همین می‌شود.

من معتمد آقای عارف به شناسن خودش برای ۲ سال بعد هم لطمه زده است. همچنین یکی از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم طی یادداشتی نوشت: «ناکارآمدی فراکسیون امید مجلس در حساس‌ترین آزمون در رأی اعتماد به کابینه دوم روحانی نشان داد لشکرک بی‌خاصیت فراکسیون امید به رهبری محمدرضا عارف آفندر ناکارآمد و غیرموثر است که در چنین آزمونی عملاً کسانی که نام امید بروخوش نهاده‌اند، به نماد زردون امید در فضای سیاسی کشور تبدیل شده‌اند».

ناکارآمدی، جنجال‌سازی و حاشیه‌آفرینی اعضای فراکسیون امید طی نزدیک به ۲ سالی که از عمر مجلس دهم می‌گذرد، فعالان اصلاح‌طلب را بر آن داشته پیشنهاد انحلال این فراکسیون را به عارف بدهند. ناصر قوامی، نماینده مستعفی مجلس ششم در این باره می‌گوید: مشکل فراکسیون امید این است که از اول راه را اشتباه رفته است. وی به عارف پیشنهاد می‌کند فراکسیون امید را منحل و فراکسیونی با عنوان فراکسیون اصلاح‌طلبان تشکیل دهد تا مشخص شود چه کسانی به اصلاح‌طلبان وفادارند.

این روزها از فراکسیون «امید»ی که عارف جمعیت ۱۸۰ نفری برای آن پیش‌بینی کرده بود چیزی جز یک فراکسیون کوچک و کم‌اثر با جمعیت ۸۵ نفری باقی نمانده است. عبدالرضا هاشم‌زایی، عضو فراکسیون امید درباره تعداد نفرات حاضر در جلسات این فراکسیون می‌گوید: زمانی که وارد مجلس شدید در جلسات نخست فراکسیون، حدود ۱۲۰ نفر حضور داشتند که این نتیجه آن انتلاف بود اما آرام‌آرام هر جلسه این تعداد کمتر شد و متوجه شدید اصولگرایانی که ما آنها را در لیست امید قرار داده بودیم، فراکسیون مستقلین را تشکیل دادند. به هرحال تعداد فراکسیون امید از آن عدد اولیه کاهش پیدا کرد و به ۸۵ نفر رسیده است.

کارشناسان معتقدند در صورت انحلال فراکسیون امید و تشکیل فراکسیون اصلاح‌طلبان، جمعیت این فراکسیون از ۸۵ نفر هم کمتر خواهد شد و با توجه به شکست انتلاف امید، عملکرد ضعیف اصلاح‌طلبان در مجلس، عدم احقاق وعده‌های انتخابتی و سخنان عارف مبنی بر اینکه در سال ۹۸ با اعتدالگرایان انتلاف نخواهند کرد، اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس آتی شکست سنگین‌تری را نسبت به آنچه در انتخابات سال ۹۴ مشاهده کردند، تجربه خواهند کرد.

امیر نجفی: اصلاح‌طلبان که پیش از انتخابات مجلس دهم امیدی برای پیروزی نداشتند و میزان محبوبیت اجتماعی آنها به حداقل رسیده بود، برای افزایش شناسن پیروزی در انتخابات و باقی‌ماندن در صحنه سیاسی کشور همان شیوه سال ۹۲ را در پیش گرفتند و انتلاف با نومحافظه‌کاران و طیف فعالان سیاسی نزدیک به علی لاریجانی را در دستور کار خود قرار دادند، مسأله‌ای که از همان ابتدا با مخالفت برخی فعالان حزبی و سیاسی جریان اصلاحات مواجه شد و نگرانی‌هایی در دل این جریان به‌وجود آورد.

اما پس از پیروزی لیست موسوم به «امید» در تهران، رسانه‌های وابسته به جریان اصلاحات اعلام کردند مجلس دهم با اکثریت قاطع اصلاح‌طلبان تشکیل شده است و در همان ایام محمدرضا عارف، رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان از تشکیل «فراکسیون امید» با حضور ۱۶۸ تا ۱۸۰ نفر از نمایندگان مجلس خبر داد؛ هر چند پس از مدتی انتخابات هیات رئیسه موقت مجلس وزن حقیقی اصلاح‌طلبان را مشخص کرد و عارف پس از کسب ۱۰۳ رای در مقابل ۱۷۳ رای ماخوذه توسط علی لاریجانی، شکست را در انتخابات هیأت‌رئیسه موقت پذیرفت و برای انتخابات هیأت‌رئیسه دائم مجلس کاندیدا نشد.

چندی پس از آغاز به کار مجلس جمعی از نومحافظه‌کاران و نزدیکان به علی لاریجانی، «فراکسیون امیدی»ها را «وکیل‌الدوله» خواندند و با تشکیل فراکسیون مستقلین ضربه سنگینی بر پیکره فراکسیون امید وارد کردند. تشکیل این فراکسیون موجب به وجود آمدن برخی درگیری‌های لفظی بین اعضای فراکسیون مستقلین و امید شد. در حالی که برخی اصلاح‌طلبان اعتقاد داشتند تشکیل فراکسیون مستقلین توسط اعتدالگرایان خیانت به جریان اصلاحات محسوب می‌شود، سمنیه محمودی،

عضو فراکسیون مستقلین گفت: اصلاح‌طلبان حتماً گزینه‌ای نداشتند که مجبور شدند از ما حمایت کنند و اینکه گفته شود اعتدالیون با رای اصلاح‌طلبان وارد مجلس شدند صحیح نیست. محمودی تصریح کرد: من دور دومی بودم، گزینه اصلاح‌طلب در دور اول انتخابات رای نیاورد و اصلاح‌طلبان مجبور شدند، برای اینکه جریان مقابل وارد مجلس نشود، از من حمایت کنند. کار به همین جا ختم نشد و تا جایی پیش‌رفت که برخی اعضای فراکسیون امید در همان ابتدای راه سخنان از احتمال انحلال این فراکسیون به میان آوردند. عبدالرضا هاشم‌زایی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو فراکسیون امید از احتمال انحلال فراکسیون امید سخن به میان آورد و گفت: اگر فراکسیون «اعتدال» رسماً آغاز به کار کند، دیگر فراکسیون «امید»ی نخواهد بود، چرا که با این کار، اصلاح‌طلبان و حزب اعتدال و توسعه از یکدیگر جدا شده‌اند. هاشم‌زایی با بیان اینکه عنوان «امید» به دلیل انتلاف میان «اصلاحات» و «اعتدال و توسعه» برای این فراکسیون انتخاب شده است افزود: اگر اعتدالیون از فراکسیون امید جدا شوند دیگر انتلافی در کار نخواهد بود و نیروهای اصلاحات هم با عنوان فراکسیون اصلاح‌طلبان در مجلس فعالیت خواهند کرد.

هر چند فراکسیون امید پس از تشکیل فراکسیون مستقلین همچنان به کار خود ادامه داد اما مردم در این مدت چیزی جز جنجال‌آفرینی و حاشیه‌سازی از نمایندگان این فراکسیون به یاد ندارند و سا آوردن نام فراکسیون امید ناخودآگاه به یاد دفاع سیده‌فاطمه حسینی از حقوق نجومی پدرش، «زن خوب» محمدرضا عارف و محمد و کیلی، عکس سلفی